

## ارجاع تشابهات به محکمت در شئون علمی

باید فروع اندیشه را به اصل آن (عقل نظری) برگرداند و این مهم با ارجاع تشابهات به محکمت صورت می‌پذیرد و در سایه چنین تفسیری، اجتهاد پویا پدید می‌آید...



باید فروع اندیشه را به اصل آن (عقل نظری) برگرداند و این مهم با ارجاع تشابهات به محکمت صورت می‌پذیرد و در سایه چنین تفسیری، اجتهاد پویا پدید می‌آید.

آنان که در علم راسخ و مجتهد هستند، محکمت را سایه افکن تشابهات می‌دانند و بنابر آن، راسخانه فتوا می‌دهند و مجتهدانه عمل می‌کنند و سرانجام در انسان‌شناسی به نظریه‌ای صائب می‌رسند.

عموم مردم در هر قشری دو گروه‌اند: 1. دسته‌ای که رهبری کارهایشان در بُعد بینش بر عهده متخیله است. اینها گاهی بی‌باکانه بین حق و باطل، خیر و شرّ، زشت و زیبا و خوب و بد تفاوتی نمی‌گذارند و کوشش آنها از روی عرضه و تقاضاست: مردم، خریدار هر نقش و فیلمی که باشند، اینان برابر با تقاضای مردم عرضه می‌کنند؛ خواه به سود معنوی خود ایشان و جامعه باشد یا نباشد. آنها در کارهای علمی به مقصد نرسیده‌اند و نمی‌رسانند، زیرا متخیله هرچه خلافتش بیشتر باشد، دوخت و دوز و ترکیب بندی‌اش بیشتر و نفاق و هنرنمایی منافقانه‌اش افزون‌تر است.

2. عده‌ای متخیله و واهمه را به رهبری عقل نظر هدایت کرده و نقاش، نویسنده، مداح یا فیلمساز درخور شده‌اند: تصویر، نوشته، مدح یا هجو و فیلمشان ملیح و مقبول است که معقول را در لباس محسوس ارائه می‌دهند.

قوای اندیشه و فکر در چنین افرادی به امامت عقل نظر، نماز جماعت برپا کرده‌اند و عقل نظر هم اندیشه‌های ناب را تنظیم و تحقیق و تدوین می‌کند، از این‌رو چنین افرادی حق و باطل را می‌فهمند و خیر و شرّ را یکسان نمی‌دانند.

بسیاری از مردم در اندیشه‌ها در حدّ ظن زندگی می‌کنند و اگر انسان درست تفسیر شود، هرگز در این بخش، رهبری فکر را به ظن و گمان نمی‌سپارند و حتماً یقین و علم قطعی را حاکم می‌کنند.

تفسیر انسان به انسان، ص 301-302